

# سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار

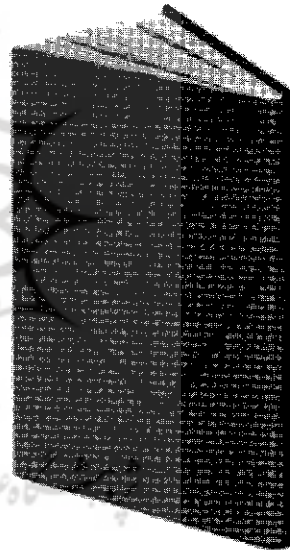
• مسعود مجاوری قدیمی

«این اثر برگردان محتوای جلد دوم از سفرنامه‌ای است به نام سفر به بخارا، که به شرح مسافرت از هندوستان به کابل، ترکستان و ایران و نیز مسافرتی بر روی سند از راه دریا تا لاهور می‌پردازد. کتاب حاضر در سه جلد تدوین شده است. نویسنده این اثر ستوان الکس بارنز، عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مأمور عالی رتبه کمپانی هند شرقی است و مسافرت‌های او در طی سال‌های ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ میلادی صورت گرفته است.

علت انتخاب جلد دوم برای ترجمه و ندیده گرفتن دو جلد دیگر این بوده است که محتوای این جلد به ایران و سرزمین خاوری مجاور آن اختصاص داشته است و خود در حکم کتاب مستقلی است که ارتباط موضوعی چندانی با دو جلد دیگر ندارد. این جلد حاوی توصیف یکی دو شهر برون مرزی ایران در خاور و گذشتن از رود جیحون و صحرای ترکمان یا قراقوم است. انگیزه این مسافرت‌ها انجام مأموریتی بود. که از سوی دولت انگلیس و کمپانی هند شرقی به بارنز و همسفرش، دکتر جوارده محول شده بود. از مندرجات کتاب استنباط می‌شود که این مسافرت‌ها به منظور شناسایی بیشتر مسیر و به دست آوردن اطلاعات دقیق‌تر درباره ساختار حکومتی ایران و شخصیت‌های مؤثر در سرنوشت کشور و مطالعه احوال اقلیت‌های قومی از جمله ترکمانان بوده است.» (کتاب حاضر، صص ۷-۸).

مترجم کتاب، بارنز را افسری باسواد و اهل مطالعه می‌داند که: «نه تنها با ادب انگلیسی بیگانه نیست بلکه با زبان شیرین فارسی نیز به خوبی آشنایی دارد. از تاریخ ملل باستان و خط سیر لشکرکشی‌های اسکندر مقدونی مطلع است ولی اطلاعات او در زمینه اسلام و به ویژه در تاریخ ایران پس از اسلام تعریفی ندارد.» (ص ۸)

آلکس بارنز در فصل نخست کتابش به مقایسه رفتار بازرگانان ترکمان صحرا و بازرگانان اروپایی می‌پردازد و معتقد است: «...»



- سفرنامه بارنز
- مؤلف: ستوان الکس بارنز
- مترجم: حسن سلطانی‌فر
- ناشر: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۶، ۱۰۷ ص

سفرنامه بارنز اثر ستوان الکس بارنز با ترجمه حسن سلطانی‌فر در سال ۱۳۶۶ توسط انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. این کتاب پنج فصل زیر را شامل می‌شود:

- ۱- مسافرت در صحرای ترکمان‌ها ۲- ادامه مسافرت در صحرای ترکمان‌ها ۳- خراسان ۴- سفری در میان ترکمانان حوالی دریای خزر ۵- پایان مسافرت در ایران. مترجم در دیباچه کتاب، سفرنامه بارنز را این گونه معرفی می‌کند:

باریابی سفیر انگلیس به حضور فتحعلی شاه، طرح از کتاب مسافرت به ایران، الکسیس سولتیکف، ۱۸۵۱ م.

این اثر برگردان محتوای جلد دوم از سفرنامه‌ای است به نام سفر به بخارا، که به شرح مسافرت از هندوستان به کابل، ترکستان و ایران و نیز مسافرتی بر روی سند از راه دریا تا لاهور می‌پردازد

نویسنده این اثر ستوان الکس بارنز، عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مأمور عالی رتبه کمپانی هند شرقی است و مسافرت‌های او در طی سال‌های ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ میلادی صورت گرفته است



(ص ۴۴)

از دیگر نکات مورد توجه بارنز، بررسی آداب مهمان‌نوازی و یا ضیافت ترکمانان است. بارنز که در ادامه سفر در خراسان، شهر مشهد را هم مورد بازدید قرار داده درباره مشهد چنین می‌نویسد: «شهر مشهد قبر امام رضا (ع) را در میان گرفته و سه خیابان در جهات مختلف از مقبره امام (ع) منشعب می‌شود که دو تای آن وسیع، عریض و مشجر است. جوی آبی که از وسط این دو خیابان می‌گذرد طراوت خاصی به آنها داده است. در فاصله صدیاردی حرم زنجیری در عرض خیابان‌ها کشیده شده که بازار و بخش‌های ثروتمند شهر را در میان می‌گیرد و حیوانات و احشام را از مکان مقدس دور نگه می‌دارد. بخش پرجمعیت مشهد این جاست زیرا اگرچه باروهای شهر با طول تقریباً هفت مایل، حصارى به دور آنها کشیده، ولی سایر نقاط شهر مخروبه است. جمعیت مشهد به چهل هزار نفر نمی‌رسد.» (ص ۵۹)

بارنز حتی از صریح امام هشتم (ع) دیدن کرده و به توصیف بارگاه مقدس امام هشتم (ع) پرداخته است. (صص ۶۰-۶۱)

بارنز همچنین از مقبره نادرشاه در مشهد دیدن کرده و اشاره دارد که نادر مورد احترام اهالی آن شهر نیست. (صص ۶۱-۶۲)

بارنز در مشهد به دیدار عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه توفیق یافته و از دیدار خود با ولیعهد ایران و مسائلی

بازرگانان این سرزمین به هیچ وجه مانند قشر هم طبقه خود در اروپا آزاده نیستند و من این ویژگی اخلاقی را معلول سرپرستی شخص آن‌ها در فروش کالا و نظارت‌شان بر هزینه‌هایی که به حساب‌شان منظور می‌شود می‌دانم.» (ص ۱۳)

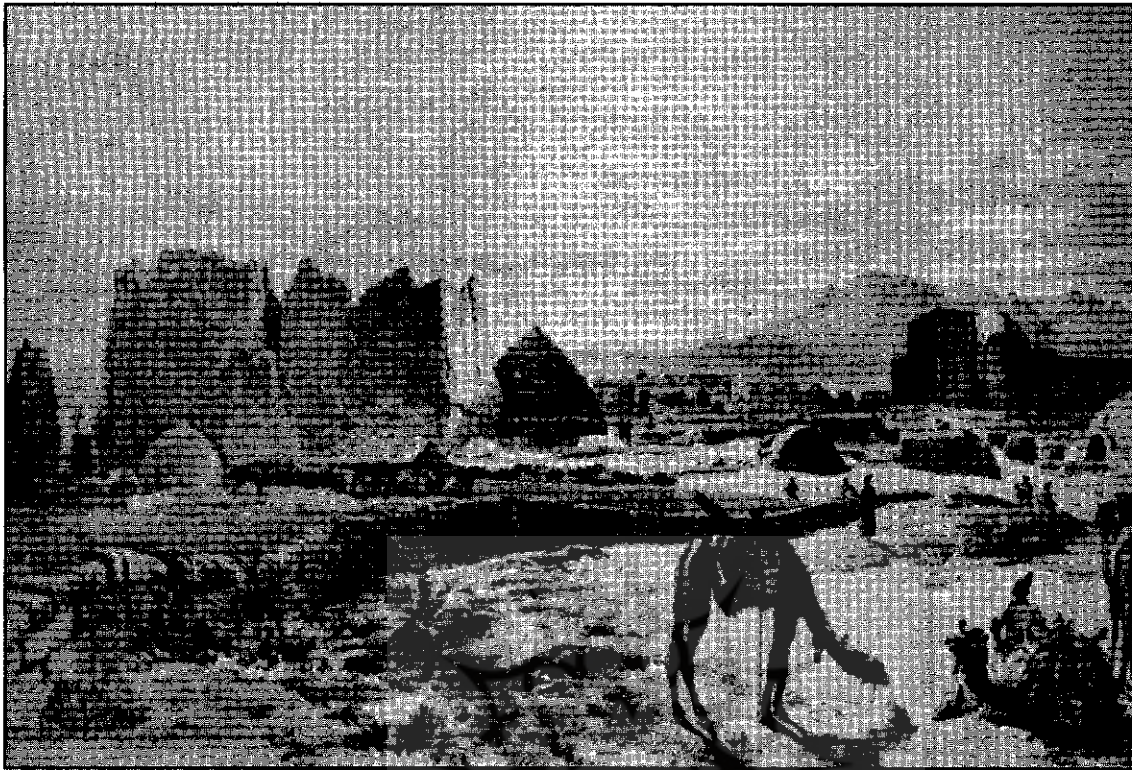
بارنز در جای دیگر در مورد برخورد ترکمانان با اسب‌ها و بردگان چنین می‌گوید: «اهالی صحرا ترجم اندکی نسبت به اسرای ایرانی از خود نشان می‌دهند. اما داستان‌هایی که در مورد قطع عصب پا و گذرانیدن طناب از اطراف استخوان‌های کتف و شانه شایع بود با حقیقت منطبق نیست زیرا این گونه آسیب‌ها موجب کاهش بهای برده می‌شود.» (ص ۱۸)

بارنز در توضیح آداب زندگی ترکمانان به مسائل مختلفی چون قوانین هجوم (ص ۳۵) و حتی چگونگی معماری آنان اشاره دارد. (ص ۴۰)

از دیگر موارد مهمی که مورد توجه بارنز قرار گرفته و از نظر مطالعات اجتماعی می‌تواند محقق را نسبت به آداب و اسلوب زندگی طوایف گوناگون آشنا سازد، بررسی رسوم ترکمانان است.

بارنز همچنین به اندک بودن شمار روحانیون در میان ترکمانان اشاره کرده و می‌نویسد: «در بین ترکمانان عده کمی روحانی و واعظ وجود دارد زیرا آنها برای برخی مراسم احترام زیادی قایل نبودند و آنها فاقد آموزش و پرورش هستند که بتواند امیال نفسانی و سرکششان را تا حدی مهار کند و مردان را از بی‌رحمی و زنان را از بی‌توجهی به مبانی اصولی بازدارد.»

کاروان سرایی در کنار راه تهران - خراسان، ۱۳۶۵ هـ. ق، طرح از کتاب «معماری سنتی ایران»، ژول لورنس



می‌توان این احتمال را داد که بارنز و همراهانش از طریق ارتباط با طوایف ترکمن می‌کوشیده‌اند که همپای اهداف سرهنگری لایارد در نواحی عشایرنشین ایران، ایلات ترکمن را در پشت جبهه جنگ ایران و دولت محلی هرات، وادار به شورش و ترکتازی نمایند

از نظر دور نداشته و به توصیف این شهر که آن را «زادگاه قاجاریه» می‌نامد نیز پرداخته است. (ص ۵۸)

مسافر انگلیسی درباره آب و هوای مازندران که در منابع صفوی به کرات از این دیار به عنوان مازندران بهشت‌نشان یاد شده می‌نویسد: «مازندران سرزمین جالبی نیست و آب و هوایش به قدری مرطوب است که اهالی در معرض بیماری‌های تب، مالاریا، ورم، فلج و امراض بسیار دیگرند، رنگ صورت‌شان زرد و اطفال‌شان ضعیفند. مازندران سرزمین مارها و قورباغه‌هاست.» (ص ۹۰)

گدوک یا دروازه خزر یکی دیگر از اماکنی است که بارنز به توصیف آن پرداخته است:

«تصور می‌کنم از گردنه گدوک با عبارت «دروازه خزر» نیز یاد شده است. از طریق همین معبر، اسکندر به تعقیب داریوش پرداخت. می‌گویند فاصله این معابر تا ری که در نزدیکی شهر جدید تهران قرار دارد دو روز راه بوده است که این مسافت بالغ بر نود مایل می‌شود.» (ص ۹۴) بارنز از جریان باریابی خود نزد فتحعلی شاه و از این که به سؤالات مختلف شاه پاسخ گفته مطالبی را ذکر می‌کند که این پاسخ‌ها

همچون اذعان ولیعهد به نداشتن پول برای اداره سپاهش سخن می‌گوید: (ص ۶۷)

نویسنده در مورد مشکلات سفر در خراسان عهد فتحعلی شاه به عدم وجود امکانات در آن ناحیه اشاره کرده و می‌نویسد: «فقط مسافری که از طلوع آفتاب تا غروب یکسره طی طریق کرده است و با چسبیدن به قاج زین، خود را روی اسب خسته‌اش نگه داشته است می‌تواند بگوید که طی کردن یک فرسنگ در خراسان یعنی چه. یک اروپایی سوار بر اسب که سریع و چهار نعل به پیش می‌تازد نمی‌تواند تصویر درستی از خستگی ناشی از طی فواصل چهارماییلی در خراسان داشته باشد، این مسافت در مسیری قرار دارد که هر قدم آن را باید پیاده پیمود و تا انتهای آن نه مهمانخانه‌ای وجود دارد و نه چیزی برای خوردن.» (ص ۷۵)

بارنز در قسمت دیگری از کتاب به شناسایی تیره‌های مختلف ترکمانان می‌پردازد و به رابطه هریک از آنان با حکومت مرکزی ایران (عصر فتحعلی شاه قاجار) اشاره دارد. (ص ۸۰)

وی در جای دیگر حتی شهر استرآباد (گرگان کنونی) را



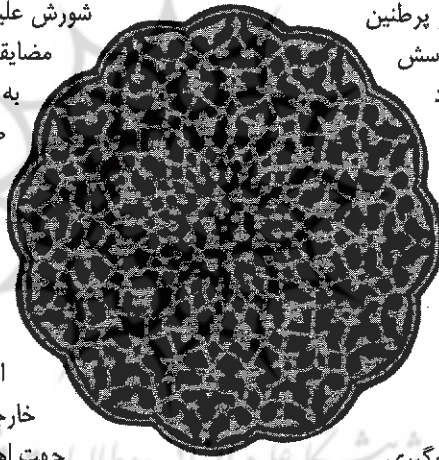
مأموران عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی به جهت حفظ مستعمره پر نعمت و گرانقدر هندوستان می‌کوشیدند تا در دوره قاجار (سده نوزدهم میلادی) در طی مسافرت به نواحی مختلف ایران به شناخت افکار و روحیات طوایف و ایلات مختلف پرداخته و در صورت نیاز از آنان به عنوان نیروهای وابسته و حامی سیاست استعماری خویش بهره گیرند

پرداخته و در صورت نیاز از آنان به عنوان نیروهای وابسته و حامی سیاست استعماری خویش بهره گیرند. آن چنان که در طول جنگ ایران و دولت محلی هرات بر سر تصرف آن شهر، مأمور انگلیسی به نام سر هنری لایارد در تحریک عشایر برای شورش علیه حکومت مرکزی ایران از هیچ تلاشی مضایقه نکرد. مأموریت ستوان بارنز در سفر به خراسان و کسب اطلاعات ذی‌قیمت از طوایف ترکمانان را نیز می‌توان در این راستا برشمرد.

احتمال فراوان درباره سفرنامه بارنز این است که یا بارنز اطلاعات سری خود را که در این مأموریت بدان دست یافته در کتاب نگنجانیده است و یا این که بنا به صلاحدید وزارت خارجه انگلیس، گزارش‌های مأموریت به جهت اهمیت ویژه آن در آرشیو اسناد وزارت سفرنامه برمی‌آید بیانگر این واقعیت است که این سفرنامه به دو جهت دارای اهمیت می‌باشد: ۱- این سفرنامه متعلق به یک افسر انگلیسی است و به همین جهت می‌توان گفت که این سفر یک سفر تجاری به قلمرو ایران محسوب نمی‌شود.

۲- با توجه به نقش ویرانگر ایلات ترکمن که همواره در دوره قاجار به ویژه پس از تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای از سوی روسیه به ایران، قلمرو ایران را در سواحل رود اترک مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند می‌توان این احتمال را داد که بارنز و همراهانش از طریق ارتباط با طوایف ترکمن می‌کوشیده‌اند که همپای اهداف سرهنری لایارد در نواحی عشایرنشین ایران، ایلات ترکمن را در پشت جبهه جنگ ایران و دولت محلی هرات، وادار به شورش و ترکتازی نمایند تا دولت مرکزی ایران به جهت عدم وجود توان در درگیری‌های

در بعضی موارد با مداهنه و چاپلوسی آمیخته است. (ص ۹۸) بارنز حتی از توصیف وضع ظاهری فتحعلی شاه فروگذاری نکرده و درباره‌اش نوشته است: «فتحعلی شاه به هیچ روی، سیمای یک مرد سالخورده را ندارد و گرچه عمرش احتمالاً از هفتاد سال بیشتر است صدایش قوی و پرطنین است و با وقاری تمام راست می‌نشیند. لباسش به طور کلی ساده و از پارچه مشکی بود که برازندگی نداشت این لباس با ریش شاه که خود شگفتی مشرق زمین است مناسبتی ندارد. می‌گویند این پادشاه از جوهر مروارید و سنگ‌های قیمتی که آنها را به صورت شربت مقوی به کار می‌برد برای تقویت نیروی بدنی رو به زوالش استفاده می‌کند.» (ص ۹۹)



بارنز در پایان سفرنامه خود به نتیجه‌گیری مسافرت طاقت‌فرسای خود پرداخته و درباره مکان‌هایی که در این سفر دیدن کرده، می‌نویسد.

«در طی سفر در سرزمین‌های بیگانه همه چیز، از باستانی و جدید که علاقه را برانگیزد و خیال را شعله‌ور سازد ملاحظه کردم؛ باکتريا یا بلخ، ماوراءالنهر، سرزمین سیت‌ها، سرزمین پارت، خوارزم، خراسان و ایران، ما اینک کلیه این سرزمین‌ها را دیده‌ایم. ما بخش مهمی از مسیر مقدونی‌ها [اسکندر مقدونی و سپاه او] را طی کردیم. از قلمرو امپراتوری‌های پوروس و تاکسیلا گذشتیم، بر رودخانه جهلام بادبان برافراشتیم، از سلسله جبال هندوکش عبور کردیم، در شهر مشهور بلخ اقامت کردیم.» (ص ۱۰۲-۱۰۱)

از مطالعه سفرنامه بارنز آن چه می‌توان نتیجه گرفت این است که مأموران عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی به جهت حفظ مستعمره پر نعمت و گرانقدر هندوستان می‌کوشیدند تا در دوره قاجار (سده نوزدهم میلادی) در طی مسافرت به نواحی مختلف ایران به شناخت افکار و روحیات طوایف و ایلات مختلف